

معلم ورزش با قلبش کار می‌کند

منصور ابراهیم‌زاده
مربی سابق تیم ملی فوتبال ایران
سمانه آزاد



اشاره

منصور ابراهیم‌زاده از آن دسته مربیانی است که کار خود را با معلمی آغاز کرده است؛ با معلمی ورزش برای دانش‌آموزان شهر لاجوردی اصفهان. پس از آن هم خدمت در بخش‌های گوناگون آموزش و پرورش را تجربه کرده است؛ از جمله مسئول تربیت‌بدنی آموزش و پرورش اصفهان، مربیگری تیم‌های آموزش و پرورش، مسئول انجمن فوتبال آموزش و پرورش اصفهان و مربی تیم ملی فوتبال کشورمان. ابراهیم‌زاده گرچه سال‌ها پیش دوره معلمی در آموزش و پرورش را به اتمام رسانده، هنوز هم باید و نبایدهای معلمی را فراموش نکرده است. گفت‌وگوی ما با این معلم را می‌خوانید.

آقای ابراهیم‌زاده، چطور وارد حوزه معلمی، آن هم معلمی ورزش شدید؟

شرایط آن روزگار و خواندن کتاب‌هایی که در دسترس بود - مانند آثار صمد بهرنگی - تأثیر بسیار زیادی در علاقه من به معلمی گذاشت، اما این که چرا حوزه تربیت‌بدنی را انتخاب کردم، دو دلیل داشت: یکی اینکه در خانواده‌ای به دنیا آمده بودم که اهل ورزش بودند. علاوه بر این، باور داشتم معلم ورزش در عین آموزش می‌تواند زندگی ببخشد و

بسیاری از مسائل زندگی را به دانش‌آموز آموزش دهد. حتی با وجود اینکه در دبیرستان رشته ریاضی خوانده و یکی دو سال را هم جهشی گذرانده بودم و فرصت داشتم برای کنکور و قبولی در رشته دیگر درس بخوانم، به خاطر علاقه‌ام به این سمت و سو آمدم. از سال ۱۳۵۸ هم که فارغ‌التحصیل شدم، کارم را شروع کردم.

شرایط آموزش در حوزه تربیت‌بدنی نسبت به آن سال‌ها خیلی فرق کرده است؟

بله. به هر حال آن دوره جنگ بود. امکانات زیادی برای کار با دانش‌آموزان نداشتیم اما کسانی که در بخش تربیت‌بدنی فعالیت می‌کردند فعال بودند. در آن دوران، باشگاه‌ها در رده سنی کودکان و نوجوانان فعالیت نداشتند؛ یعنی در هیچ ورزشی تیم نوجوانان و جوانان نبود. همه فعالیت‌های ورزشی خاص این گروه‌های سنی در آموزش و پرورش متمرکز شده بود. به همین دلیل، با وجود امکانات کم، رشد ورزش از طریق آموزش و پرورش خیلی بیشتر بود.

در آن دوران، تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌ها هم بیشتر بود و گاهی به ۴۰ تا ۵۰ نفر می‌رسید که کنترل آن‌ها سخت بود اما اکنون تعداد بچه‌ها در کلاس‌ها کمتر شده و تعداد مدارس و امکانات بیشتر شده است.

بسکتبال افرادی مانند آقای شهامتی، آقای امجد و آقای منتظری دبیر ورزش بودند که بعدها مربی شدند. پس معلمان ما ظرفیت این کارها را دارند. ما زمانی می‌توانیم از این ظرفیت و استعداد استفاده کنیم که معلمانمان از نظر مالی تأمین باشند.

ع می‌دانید که وقت معلمان تربیت‌بدنی کم است. چه کار کنند در این مدت کوتاه آموزش مفیدی داشته باشند؟

ع من معتقدم در دوره دبستان باید آموزش‌های عمومی را پیگیری کنیم. دنبال سلامتی بچه‌ها و پیدا کردن ناهنجاری‌های بدنشان مثل افتادگی شانه، قوس کمر و... باشیم که البته کار سختی است. به‌همین دلیل، بهتر است در کنار معلم ورزش، معلم دانش‌آموزان یا یک معلم ورزش دیگر هم باشد. معمولاً در دوره دبستان بچه‌ها در کلاس‌هایی مانند ژیمناستیک و شنا شرکت می‌کنند که بهترین راه برای تنظیم و فرم‌دهی به اندام آن‌هاست. علاوه بر این، بهتر است با بازی‌های دبستانی مفاهیمی مثل گروه و جمع و کار گروهی را به بچه‌ها آموزش دهیم. در دوره متوسطه یک باید آموزش‌های ساده و پایه را شروع کرد و تفاوت تکنیک و مهارت را آموزش داد اما در متوسطه دو دیگر آموزش‌ها باید تخصصی‌تر شوند؛ به‌طوری که مشخص شود هر کس می‌خواهد در چه رشته‌ای تمرین کند. اگر چنین شرایطی به‌وجود بیاید، هر دانش‌آموز به زمین ورزش خود می‌رود و آموزش‌ها هم مفید خواهند بود، اما ما چنین شرایطی نداریم. به‌همین دلیل هم هست که نقش آموزش و پرورش در ورزش قهرمانی کم شده است و همه به سوی مدارس فوتبال و والیبال و باشگاه‌ها می‌روند. در حالی که همه این‌ها می‌تواند در آموزش و پرورش انجام شود.

ع پس معتقدید آموزش و پرورش می‌تواند زمینه ورزش قهرمانی ما را ایجاد کند؟

ع دقیقاً. ببینید مثلاً خانواده‌ها معمولاً برای گذراندن اوقات فراغت و تفریح بچه‌ها، آن‌ها را به مدرسه فوتبال می‌برند. اما همین کار را می‌توان در مدرسه انجام داد. همان‌طور که برای بقیه درس‌ها فوق برنامه برگزار می‌شود، برای تربیت‌بدنی هم برنامه‌ریزی شود. حتی می‌توان از این هم فراتر برویم و بگوییم آموزش و پرورش خود مدرسه فوتبال تأسیس کند و بهترین مربی‌ها را به کار گیرد. الان که هنرستان‌های تربیت‌بدنی کم‌کم راه افتاده‌اند می‌توانند تخصصی‌تر

ع معلم‌ها هم فرق کرده‌اند؟

البته که فرق کرده‌اند. شرایط آموزش برای معلمان فراهم شده است؛ گرچه سختی‌های زندگی اجازه نمی‌دهد زیاد در این بخش فعالیت کنند.

ع در مصاحبه‌ای از شما خواندم که درباره ویژگی معلمی گفته بودید: «آدم وقتی معلم باشد نمی‌تواند رها کند و برود.»

ع بله. معلم متعهد است و خودش این تعهد را قبول کرده است. معلم پای اصول خود می‌ایستد. فکر می‌کنید چرا برای معلمان سه ماه تعطیلی تابستانی پیش‌بینی کرده‌اند؟ برای اینکه فرصتی برای تجدید قوای فکری و مطالعه داشته باشند اما مشکلات زندگی فرصت مطالعه را می‌گیرد. حتی می‌توان گفت آموزش و پرورش برای معلمان به شغل دوم تبدیل شده است. این‌ها باعث شده است برخی سمت و سوی فرهنگ‌ها از بین برود. باز شدن برخی مدارس خصوصی هم فعالیت‌ها را به مسائل مادی برد.

ع با توجه به سابقه معلمی تان، فکر می‌کنید جایگاه معلمی در گذشته و اکنون چه تفاوتی دارد؟

ع جایگاه معلم هیچ‌وقت کم نمی‌شود. حتی اکنون و با وجود اینکه فضای کسب دانش برای دانش‌آموزان گسترده‌تر شده است؛ چراکه معلم در کلاس زندگی می‌کند. در گذشته همه بحث آموزش حول آموزش و پرورش بود، نه فیلمی بود و نه اینترنتی. آن‌وقت‌ها قبل از اینکه بگویند کسی معلم است، می‌گفتند فرهنگی است؛ یعنی برای معلم جایگاه فرهنگی قائل می‌شدند که تأثیراتی مثبت از جمله جایگاه خوب معلم را داشت. معلمان هم از نظر امکانات مالی مجهز بودند اما اکنون به دلیل شرایط سخت زندگی شرایط زندگی‌شان متفاوت شده است. بسیاری از استعدادها معلمی ما به دلیل مشکلات زندگی‌شان نمی‌توانند همه وقت خود را به‌طور کامل در اختیار ورزش بگذارند.

در دوره‌ای که برای ورزش والیبال روی دانش‌آموزان سرمایه‌گذاری می‌شد، از معلمان تربیت‌بدنی آموزش و پرورش کمک گرفته شد. این نشان می‌دهد که معلمان ما ظرفیت بالایی دارند. همین‌طور است. در رشته فوتبال کسانی مانند آقای جلالی و آقای دوستی معلمانی بودند که به مربیگری تیم‌های بزرگ‌سالان رسیدند. در رشته

”
در گذشته، قبل از اینکه بگویند کسی معلم است می‌گفتند فرهنگی است. یعنی برای معلم جایگاه فرهنگی قائل می‌شدند

عمل کنند و فقط در زمینه فوتبال یا والیبال یا رشته‌های دیگر فعالیت کنند. دانش‌آموز در چنین مدرسه‌ای هم می‌تواند درس‌های عمومی‌اش را بگذراند و هم ورزش تخصصی‌اش را پیگیری کند. این کار حتی در دوره متوسطه یک هم قابل پیگیری است. در این صورت، آموزش و پرورش هم می‌تواند بهترین تیم‌ها و بازیکنان را پرورش دهد. حتی وزارت آموزش و پرورش می‌تواند برای انجام این کار از سرمایه‌گذاران خارج از وزارتخانه دعوت کند و در صورت فراهم بودن شرایط، مجوز تأسیس آن را صادر کند.

شما در دوره معلمی تان برنامه استعدادیابی هم داشتید؟

بله. حتی در میان دانش‌آموزانم فوتبالیست و قهرمان وزنه‌برداری هم هستند؛ از جمله سیدجواد موسویان که قهرمان وزنه‌برداری سبک وزن در اوایل انقلاب بود. آناتومی بدن او برای وزنه‌برداری مناسب بود. بنابراین، تشویقش کردم که به سراغ این رشته ورزشی برود. در دوره معلمی‌ام به آناتومی بدن، نوع دویدن و... دقت می‌کردم و دانش‌آموز را به انتخاب رشته‌ای که فکر می‌کردم در آن استعداد دارد تشویق می‌کردم. معلمان هم می‌توانند این کار را انجام دهند. البته اگر خودشان نمی‌توانند مربیگری دانش‌آموزان مستعد را عهده‌دار شوند، اما می‌توانند راهنمایی‌شان کنند که چگونه و کجا استعداد خود را پیگیری کنند.

به نظر می‌رسد در حوزه تربیت‌بدنی مدرسه نقش خانواده‌ها هم مؤثر است. اکنون در شرایطی قرار داریم که خانواده‌ها دانش‌آموزان را به خواندن درس‌های نظری تشویق می‌کنند تا در دانشگاه در رشته‌های پزشکی و مهندسی تحصیل کنند. شاید در این میان تربیت‌بدنی فراموش شود.

هر چقدر هم که آمال و آرزوی خانواده‌ها پزشک و مهندس شدن فرزندشان باشد، جلو یک موضوع را نمی‌توانند بگیرند و آن بازی کردن بچه‌هاست. خانواده‌هایی که به این موضوع توجه می‌کنند فرزندشان را به ورزش کردن تشویق می‌کنند. الان می‌بینیم که بسیاری از بچه‌ها در کلاس‌های ورزشی شرکت می‌کنند؛ چراکه خانواده نمی‌تواند جلو فعالیت بدنی بچه‌ها را بگیرد. وقتی خانواده‌ها تأثیرات مثبت جسمانی و اخلاقی ورزش را حس کند، مطمئناً مشوق فرزندش هم خواهد بود.

همیشه می‌شنویم که روی دیگر سکه ورزش، اخلاق است. گاهی بی‌اخلاقی‌هایی در میان ورزشکاران دیده می‌شود اما نمود آن در میان فوتبالیست‌ها بیشتر است. آیا واقعاً این موضوع در فوتبال بیش از سایر رشته‌هاست و یا چون تمرکز بر فوتبال زیاد است بیشتر دیده می‌شود؟

ورزش و ورزشکار خیلی زود رسانه‌ای می‌شوند و از این رو حاشیه بیشتری دارند. ما بی‌اخلاقی‌هایی را در جامعه می‌بینیم اما وقتی این موضوع از جانب یک فوتبالیست باشد، بیشتر در جامعه دیده می‌شود. چون در فرهنگ ما، برخی کارها برای ورزشکاران برانده و پسندیده نیست. بنابراین، باید اخلاق را به ورزشکاران یاد دهیم و جایگاهشان را در جامعه به آن‌ها گوشزد کنیم.

نکته بعدی که باعث شده این بی‌اخلاقی‌ها در فوتبال نمود بیشتری پیدا کند، نتیجه‌گرایی است؛ یعنی برای بازیکن شرط می‌گذارند که اگر چنین و چنان کنی مبلغی را دریافت می‌کنی و این یعنی اینکه انگیزه‌ها مادی شده است. البته بخشی از این موضوع به دلیل جذابیت فوتبال است و دیگر اینکه فوتبال به تجارت تبدیل شده است. اگر این مسائل در فوتبال بیشتر دیده می‌شود، به دلیل حساسیت‌های آن است.

آقای ابراهیم‌زاده، یک معلم تربیت‌بدنی موفق چه ویژگی‌هایی دارد؟

اولین نکته‌ای که معلم موفق باید به آن توجه داشته باشد، شخصیت معلم است که شامل موارد بسیاری است؛ از جمله نظم، آراستگی ظاهر، باور داشتن به کار خود و اینکه با قلب خود کار کند. تخصص هم که جایگاه خود را دارد.

معلمان ما باید بدانند که جایگاهشان در جامعه محفوظ است؛ بنابراین، به مسائل سطحی توجه نکنند. به این بیندیشند که بسیاری از اندیشمندان و افراد موفق ماحصل تلاش معلمان بوده‌اند. من در دبیرستان ادب شهر اصفهان درس خوانده‌ام. وقتی فارغ‌التحصیلان این مدرسه دور هم جمع می‌شوند تا به معلمانشان ادای احترام کنند، می‌بینم که چقدر معلمان مرا به‌عنوان یک فعال حوزه ورزش پذیرا هستند. بنابراین توصیه می‌کنم جایگاه معلم ورزش را دست کم نگیرند.

هر چقدر هم که
آمال و آرزوی
خانواده‌ها پزشک
و مهندس شدن
فرزندشان
باشد، جلوی
یک موضوع را
نمی‌توانند بگیرند
و آن، بازی کردن
بچه‌هاست

